

عوامل مؤثر بر پذیرش و اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در استان ایلام

علیرضا جمشیدی*، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

امیرمظفر امینی، عضو هیئت علمی گروه توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان

چکیده

زمین به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تولید در بخش کشاورزی حائز اهمیت است. پراکندگی و دوری قطعات اراضی کشاورزی از جمله مسایل عمده‌ای است که کشاورزان استان ایلام با آن مواجه هستند. غیرکارآ بودن مدیریت مزرعه، عدم استفاده مؤثر از تکنولوژی و ماشین آلات کشاورزی و پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید، همگی به نوعی در ارتباط با پراکندگی اراضی می‌باشند. از این رو، متخصصین برای رفع مشکلات و عوارض ناشی از پراکندگی اراضی، راه حل منطقی و قابل اجرای فرآیند یکپارچه‌سازی اراضی را که یک استراتژی بنیادی در ارتباط با اندازه زمین است، توصیه می‌کنند. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و تعیین عوامل مؤثر بر پذیرش اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی توسط بهره‌برداران بخش کشاورزی در استان ایلام است. این نوشتار ماحصل پژوهشی کاربردی است که به روش پیمایشی انجام گرفته و ابزار جمع‌آوری اطلاعات میدانی آن پرسش‌نامه «پژوهش‌گر ساخته» بوده است. روائی و پایایی ابزار تحقیق با انجام پیش‌آزمون و محاسبه ضرایب KMO و آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. کشاورزان ساکن در استان ایلام جامعه آماری این پژوهش را تشکیل داده، با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۴ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، انتخاب شدند. یافته‌های استنباطی حاصل از تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که متغیرهای تعداد قطعات دیم، ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی و دانش بهره‌برداران از طرح‌های یکپارچه‌سازی، با متغیر وابسته تحقیق همبستگی مثبت و معنی‌دار داشته و متغیرهای سن، ارزش‌گذاری سنتی اراضی و مطلوبیت مکانی زمین‌های کشاورزی نیز با آن همبستگی منفی و معنی‌دار دارند.

واژگان کلیدی

پذیرش، یکپارچه‌سازی اراضی، بهره‌برداران، استان ایلام

۱- مقدمه

بدون شک بی‌توجهی به نقش بخش کشاورزی در برنامه‌های رشد و توسعه نه‌تنها کندی رشد دیگر بخش‌های اقتصادی را به‌همراه دارد، بلکه می‌تواند کل برنامه‌های توسعه ملی را نیز در عمل، به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، با چالش‌های جدی روبرو سازد. اثر مستقیم این تأثیرات به بخش‌هایی مربوط می‌شود که نهاده‌های آن‌ها مستقیم از بخش کشاورزی تأمین شده و اثر غیرمستقیم آن‌ها به واسطه‌ی عدم جذب ارز به دست آمده از صدور محصولات کشاورزی در بخش‌های اقتصادی است. اولین قدم در راه اعتلا و توسعه روستاهای کشور و هم‌چنین بهره‌وری بخش کشاورزی، توجه به الگوی مالکیت اراضی تحت کشت است (جمشیدی و امینی، ۱۳۸۸: ۲۶۸).

در نظام کشاورزی سنتی کشور، زمین در اختیار هر بهره‌بردار غالباً به‌صورت قطعات پراکنده و با پراکنشی نامنظم می‌باشد، شاید «چنین آرایشی از اراضی را بتوان حتی یک فرصت و عامل مؤثر در شکل‌گیری کارکردهای مثبت نظام سنتی نیز به شمار آورد» (جمشیدی و امینی، ۱۳۸۸: ۲۶۸)، لیکن برای برپائی یک کشاورزی مدرن، این عوامل از جمله موانع اصلی توسعه می‌باشند (امیرنژاد و رفیعی، ۱۳۸۸: ۳۳۰). مطالعات پژوهشی مرتبط با یک‌پارچه‌سازی اراضی موید این واقعیت است که یکی از چالش‌های پیش روی برنامه‌های توسعه روستایی در گذر از سنت به مدرنیته، قطعه‌قطعه بودن و پراکندگی اراضی کشاورزی بهره‌برداران است. این پراکندگی را می‌توان در دو شکل مورد توجه قرار داد. نخست زمین‌هایی که با مرزهای مصنوعی یا طبیعی بین بهره‌برداران مختلف توزیع شده است. این نوع پراکندگی مانعی برای استفاده عقلایی و بهینه از زمین و سایر عوامل تولید بوده و به کاهش کارآمدی کل فعالیت در یک محدوده‌ی جغرافیایی می‌انجامد. شکل دوم، پراکندگی اراضی هر یک از بهره‌برداران در قطعات دور از هم و غالباً کوچک است که این نیز مزید بر وضعیت نخست شده و به تشدید شرایط، گفته شده، نیز می‌انجامد (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۸).

پراکنش اراضی علاوه بر ایجاد اشکال فنی در بهره‌برداری صحیح از آب، به پایین بودن میزان بهره‌وری، بالا بودن هزینه‌های تولید، اتلاف منابع، تثبیت و گسترش الگوی نامناسب زراعی، غیرکارا کردن مدیریت مزرعه، عدم استفاده مؤثر از ماشین‌آلات، اختلاف میان کشاورزان و تضعیف همبستگی‌های اجتماعی در جامعه‌ی روستایی و سرانجام فقر و مهاجرت روستاییان می‌انجامد. نتایجی که هر یک شاخصی از شاخص‌های توسعه نیافتگی به حساب می‌آیند (رفیعی و امیرنژاد، ۱۳۸۶: ۲؛ شیرزاد، ۱۳۷۶: ۲۵). هم‌چنین، پراکندگی اراضی باعث شده تا انتقال کشاورزی از سنتی به پیشرفته و توسعه کشاورزی با کندی انجام شود. هزینه‌های بالای تولید، کمبود درآمد، محرومیت استفاده‌ی بهینه از ماشین‌آلات و دستاوردهای فنی و علمی جدید در فعالیت‌های تولیدی و هم‌چنین فقر روستایی به عنوان شاخص توسعه نیافتگی در ارتباط با پراکندگی زمین قرار دارد. بنابراین، در جهت رسیدن به خودکفایی و امنیت غذایی و توسعه کشاورزی ضرورت دارد که با کمک دولت و مشارکت کشاورزان و بخش خصوصی طرح یک‌پارچه‌سازی کشاورزی اجرا شود (رستمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۴). امروزه یک‌پارچه‌سازی اراضی سیاستی کلیدی برای استفاده‌ی بهینه از عوامل و امکانات تولید بوده، شرط لازم برای برپائی یک کشاورزی توسعه‌یافته نیز قلمداد می‌شود (Dijk Van, ۲۰۰۲: ۲۰؛ امیرنژاد و رفیعی، ۱۳۸۸: ۳۳۰). هم‌چنین، آن را فرایندی در انجام اصلاحات ارضی در توسعه‌ی کشاورزی دانسته‌اند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸)، چرا که کشورهای توسعه یافته به یمن توجه درست به یک‌پارچه‌سازی

اراضی و فرایند آن، توانسته‌اند تحولی عظیم در بخش کشاورزی خود پدید آورده و بیش‌ترین سهم تولید محصولات کشاورزی را از آن خود کنند (Zhou, ۱۹۹۹: ۴).

به‌طور کلی پدیده پراکندگی شدید اراضی در استان ایلام، بازمانده از نظام ارباب رعیتی بوده، هم‌چنین ریشه در نامناسب بودن شیوه تقسیم زمین در اجرای برنامه‌ی اصلاحات اراضی و برنامه‌های ساماندهی اراضی بعد از انقلاب دارد، به‌طوری که تعداد قطعات یک بهره‌بردار در اراضی آبی و دیم، در هر یک از دو بخش، به چندین قطعه می‌رسد. از این رو، اراضی متعلق به هر بهره‌بردار یکجا و یک‌پارچه نیست و از قطعات پراکنده و دور از هم تشکیل شده که فاصله‌ی آن‌ها از یکدیگر گاهی به چند کیلومتر می‌رسد و در برخی موارد اندازه‌ی قطعات از چند صد متر تجاوز نمی‌کند. در منطقه‌ی مورد مطالعه متوسط تعداد قطعات آبی و دیم هر بهره‌بردار به ترتیب ۳/۰۴، ۲/۹۷ قطعه، مساحت بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین قطعه در اراضی آبی ۱/۴۵، ۰/۹۶ هکتار و در اراضی دیم ۲/۱۷، ۱/۷۸ هکتار می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۲۴۵).

با توجه به مسایل و مشکلات پراکندگی اراضی زراعی، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بخش کشاورزی برای رفع مشکلات و عوارض ناشی از این مسئله، راه‌حل منطقی و قابل اجرای یک‌پارچه‌سازی اراضی را توصیه می‌کنند که سیاستی در ارتباط با تغییر اندازه زمین جهت بهبود و افزایش تولید محصولات کشاورزی، عقلانی کردن بهره‌برداری‌ها، استفاده از ماشین‌آلات و تکنولوژی جدید زراعی، و در نهایت دستیابی به توسعه‌ی کشاورزی می‌باشد. به‌عبارت دیگر، این فرآیند و ساماندهی اراضی به‌عنوان ضرورت اساسی توسعه‌ی پایدار کشاورزی مطرح می‌باشد (امیرنژاد و رفیعی، ۱۳۸۸: ۳۳۰). بنابراین، با توجه به موارد گفته شده، سؤال اصلی پژوهش حاضر، عوامل مؤثر بر پذیرش و اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی زراعی در استان ایلام کدامند؟ می‌باشد که در ادامه به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

احمدی و امینی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ی میدانی خود نشان داده‌اند که روستاهای متقاضی طرح یک‌پارچه کردن اراضی دارای مالکیت‌های بزرگ‌تر، پراکندگی قطعات بیش‌تر، تعداد بهره‌برداران کم‌تر، بهره‌برداران باسواد تر و جوان تر، به مراکز خدمات نزدیک‌تر و از برنامه‌های آموزش - ترویجی بیش‌تری نیز برخوردار بوده‌اند. رفیعی و امیرنژاد (۱۳۸۶) نیز معتقدند که میزان تحصیلات شالی‌کاران، تعداد افراد خانواده‌ی آن‌ها، کیفیت اراضی، فاصله‌ی بین قطعات اراضی، برنامه‌های آموزشی و حمایت‌های اعتباری سازمان‌های مربوطه، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پذیرش یک‌پارچه‌سازی اراضی توسط بهره‌برداران استان مازندران است. Gergievski (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که پراکندگی زیاد قطعات اراضی زراعی هر بهره‌بردار و دور بودن این قطعات از هم، افزایش هزینه‌های تولید، تأسیس تعاونی‌های روستایی و حمایت‌های فنی دولت، عوامل عمده در پذیرش یک‌پارچه‌سازی در مقدونیه بوده است. Gonzales.Garcia (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که برنامه‌های یک‌پارچه‌سازی در اسپانیا گامی مهم در جهت بهبود کارایی نیروی کار و بهره‌وری بهینه از اراضی زراعی بوده، افزایش آگاهی کشاورزان از نتایج اقتصادی و اجتماعی یک‌پارچه‌سازی اراضی، انتقال اطلاعات مفید به کشاورزان توسط مروجین و برنامه‌های حمایتی دولت عوامل مؤثر بر پذیرش یک‌پارچه‌سازی اراضی هستند. هم‌چنین، یاسوری و همکاران (۱۳۸۶) نشان دادند که یک‌پارچه‌سازی اراضی موجب بهبود تکنولوژی، مدیریت مزرعه، ساختار زراعی اراضی از نظر اندازه و تعداد، افزایش وسعت بهره‌برداری‌ها، بهبود شیوه‌ی انتقال آب، بالا رفتن راندمان تولید، ایجاد رضایت‌مندی و غیره می‌گردد که آگاهی کشاورزان از این موارد و انتقال این اطلاعات مفید به کشاورزان توسط مروجین می‌تواند از عوامل مؤثر بر پذیرش و اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی در

یک منطقه باشد. مطالعات Vitikainen (۲۰۰۴) نیز موید این است که موجه‌ترین دلیل برای سودمند بودن برنامه‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی در اروپا، اندازه‌ی قطعات و کاهش تعداد قطعات می‌باشد. هم‌چنین، وجود تفاوت در دسترسی برخی از اراضی به جاده‌ها و منابع آبی، باعث می‌شود که تعویض اراضی و یک‌پارچه نمودن آن‌ها با مشکل زیادی همراه باشد. Rusa & Florian (۲۰۰۲) در مطالعه‌ی خود در کشور رومانی نشان می‌دهد که بررسی پتانسیل‌های مناطق، توسعه‌ی روش‌های ارزشیابی زمین، افزایش دانش ارزیابان زمین و وضع چارچوب حقوقی مناسب برای یک‌پارچه‌سازی، در اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی ضروری می‌باشد. نتایج پژوهش امینی و همکاران (۱۳۸۶)، حکایت از آن دارد که ناآگاهی صاحبان زمین‌های زراعی از طرح‌های یک‌پارچه‌سازی، نامناسب بودن روش‌های تکنیکی اجرای طرح‌ها و نبود قوانین روشن در ارتباط با یک‌پارچه‌سازی عمده‌ترین موانع در پیش برد این فرایند است. هم‌چنین، رستمی و همکاران (۱۳۸۷) نشان داده‌اند که متغیرهای وقف و ازدواج در عدم یکپارچگی اراضی دهستان پشت دربند تأثیری نداشته در حالی که ارت، افزایش جمعیت و سواد از عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر در عدم یکپارچگی اراضی در این دهستان بوده است. به‌طور کلی مشکلات و تنگناهای زیادی در راه اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی وجود دارد که روند اجرایی آن‌را با کندی مواجه می‌کند. در مجموع مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که بخش اعظم بهره‌برداران ایران، موافقت بسیار بالایی با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی دارند امینی و همکاران (۱۳۸۶)؛ زارع (۱۳۷۹) و بخشوده و نجفی (۱۳۶۷).

هدف اصلی نوشتار حاضر بررسی و تعیین عوامل مؤثر بر اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی در استان ایلام و ارزیابی اثر هر یک از این عوامل بر میزان پذیرش این طرح از جانب بهره‌برداران است. در استان ایلام نیز پراکندگی و خرد بودن اراضی کشاورزی، هم‌چون سایر نقاط ایران، وضعیتی فراگیر داشته، باید از جمله موانع اصلی برای توسعه بخش کشاورزی منطقه به‌شمار آید. بدیهی است شناخت و آگاهی درست از موضوعاتی که این نوشتار به‌دنبال آن است، می‌تواند برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، شاید برای پژوهش‌گران فعال در عرصه‌های مرتبط با توسعه‌ی روستایی - کشاورزی نیز بتواند کارساز افتد.

۲- مواد و روش‌ها

مطالعه‌ی حاضر از منظر هدف، کاربردی، از لحاظ میزان و درجه‌ی کنترل، میدانی و به‌جهت شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات نیز از نوع تحقیقات توصیفی غیرآزمایشی است. جامعه‌ی آماری پژوهش را کشاورزان بهره‌بردار ساکن در استان ایلام با جمعیت ۴۸۹۳۴ نفر تشکیل داده‌اند. حجم نمونه از فرمول کوکران^۱ (رابطه ۱)، تعداد ۳۸۰ نفر برآورد گردیده، لیکن به‌دلیل تشتت در آمارهای مربوط به تعداد دقیق بهره‌برداران و برای جلوگیری از خطا و بالا رفتن اطمینان، پس از رایزنی با صاحب‌نظران در علوم آماری، ۵٪ بر نمونه به‌دست آمده افزوده شد و تعداد نمونه به ۴۰۴ بهره‌بردار افزایش یافت.

^۱ Cochran

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \quad \text{رابطه (۱)}$$

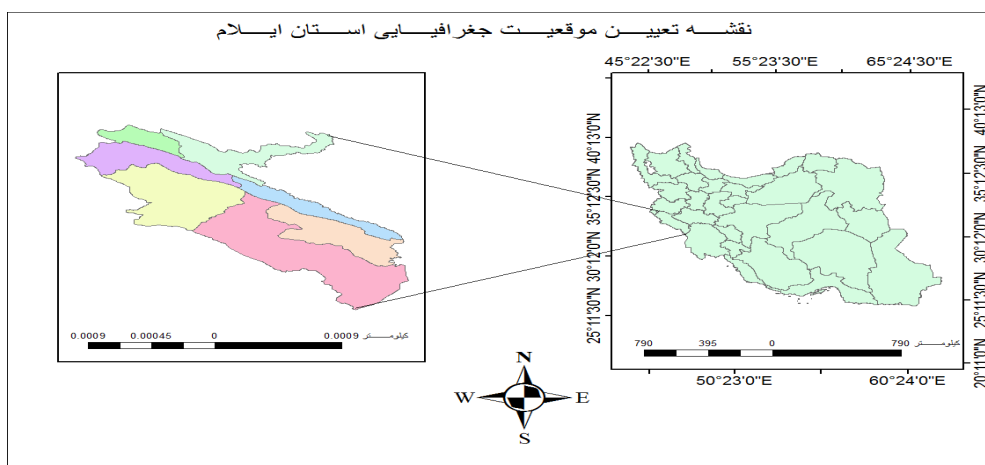
که در آن:

n = حجم نمونه، Z = مقدار متغیر استاندارد واحد متناظر با ضریب اطمینان 0.95 ، p = احتمال وجود صفت (در صورت مجهول بودن $P = 0.5$)، q = احتمال عدم وجود صفت، d = مقدار اشتباه مجاز ($0.1 - 0.05$)، N = تعداد اعضای کل جامعه با توجه به تفکیک جامعه به شهرستان‌های مختلف، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی چند مرحله‌ای استفاده شد. با استفاده از روش انتساب متناسب، نمونه‌ی مورد نیاز برای مطالعه در هر شهرستان مشخص شده، برای تعیین روستاهای هدف نیز این نمونه به روش تصادفی انتخاب شد. نتایج حاصل از عملیات در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- معرفی نمونه آماری تحقیق بر حسب شهرستان

شهرستان	کل جمعیت	جمعیت بهره‌بردار بخش کشاورزی	نمونه انتخابی	تعداد روستای انتخابی
ایلام	۱۹۹۵۱۹	۵۵۱۲	۴۵	۷
ایوان	۴۷۹۵۸	۳۶۱۰	۳۰	۵
شیرازان چرداول	۷۳۹۷۳	۸۰۹۹	۶۴	۱۶
مهران	۵۷۸۸۹	۴۹۰۳	۴۱	۹
دهلران	۶۲۲۵۶	۱۲۶۹۱	۱۰۶	۱۲
دره شهر	۵۶۸۲۲	۸۸۰۸	۷۳	۱۳
آبدانان	۴۷۳۷۰	۵۳۱۱	۴۴	۹
کل استان	۵۴۵۷۸۷	۴۸۹۳۴	۴۰۴	۷۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق



شکل ۱. نقشه موقعیت استان ایلام و شهرستان‌های موجود نسبت به کشور

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از دو روش اسنادی ۱ و میدانی ۲ به‌دست آمد. برای گردآوری اطلاعات از روش ترکیبی مصاحبه و تکمیل پرسشنامه بهره‌جسته شد. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از بهره‌برداران، پرسش‌نامه‌ای در پنج بخش شامل پرسش‌هایی در مورد ویژگی‌های فردی، زراعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بهره‌برداران و پرسش‌هایی برای آگاهی از میزان موافقت آن‌ها با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی تدوین شد. بخش نخست پرسشنامه به‌خصوصیات و ویژگی‌های شخصی بهره‌برداران نظیر سن، سطح سواد و تعداد اعضای خانوار آن‌ها اختصاص داشته، در بخش دوم ویژگی‌های زراعی بهره‌برداران در قالب سابقه‌ی فعالیت زراعی، میزان مالکیت اراضی و تعداد قطعات هر بهره‌بردار مورد پرسش قرار می‌گرفت. بخش سوم پرسشنامه ویژگی‌های اقتصادی بهره‌برداران، نظیر درآمد، اشتغال، میزان بودجه اختصاصی طرح و میزان سهم خودیاری را بررسی کرده، بخش چهارم آن نیز به‌سنجش ویژگی‌های اجتماعی بهره‌برداران اختصاص داشته، در آن ساختار مالکیت، عضویت در گروه‌های دومین، سطح سواد و میزان آگاهی آن‌ها از طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی مورد پرسش بود. در آخرین بخش پرسش‌نامه ویژگی‌های فرهنگی بهره‌برداران که شامل ارزیابی معرف‌های انگیزشی، ارزش‌گذاری‌های سنتی اراضی، سنجش میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های امور مربوط به روستا و مشارکت در برنامه‌های دولتی مورد توجه بود. در این پژوهش با استفاده از روش شاخص‌سازی و از طریق تحلیل عاملی، معرف‌های ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و میزان آگاهی از طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی ساخته شده، به ارزیابی گذارده شد.

برای اطمینان از روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات و متغیرهای مورد سنجش در آن، نخست پرسشنامه توسط ۳۰ نفر از بهره‌برداران خارج از روستاهای هدف، آزمون شد. برای اطمینان از روایی متغیر-های مورد آزمون در پرسشنامه، از ضریب KMO، و برای سنجش پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات پژوهش نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب به‌دست آمده که در جدول ۲ نشان داده می‌شود، موید اعتماد و اطمینان بالای پرسشنامه می‌باشد.

جدول ۲- محاسبه‌ی میزان پایایی و روایی مفاهیم اصلی کار رفته در پژوهش

نمونه مورد مطالعه	متغیر	آلفای کرونباخ	KMO	Barttelet's	Sig
	عوامل اقتصادی	۰/۸۳۷	۰/۷۴۸	۷۵/۶۹۹	۰/۰۰۰
بهره‌برداران	عوامل اجتماعی	۰/۸۵۱	۰/۷۲۷	۲۵/۹۸۱	۰/۰۰۴
	عامل فرهنگی	۰/۷۹۸	۰/۶۴۳	۸۹۳/۰۵۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به تعداد متغیرها و سطح سنجش آن‌ها، از روش‌های آمار توصیفی مانند درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار و آمار استنباطی، مانند: جداول توافقی و ضریب همبستگی برای تجزیه‌ی داده‌های حاصل از پژوهش استفاده شد. کلیه‌ی محاسبات با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۱۳ تحت ویندوز انجام گرفت.

^۱. Documentory Method

^۲. Field Research Method

۳- نتایج و بحث

۳-۱- آمار توصیفی

نتایج نشان داد که میانگین سن بهره‌برداران مورد مطالعه، ۵۳/۰۲ سال و کم‌ترین و بیش‌ترین سن مربوط به بهره‌برداران، به ترتیب برابر با ۲۴ سال و ۹۵ سال بود، هم‌چنین متوسط سابقه فعالیت کشاورزی آن‌ها ۲۹/۰۳ سال است.

داده‌های جدول (۳) توزیع فراوانی ویژگی‌های زراعی بهره‌برداران مورد مطالعه را نشان می‌دهد، چنان‌چه مشاهده می‌شود، میانگین مالکیت هر بهره‌بردار به تفکیک اراضی آبی و دیم به ترتیب ۴/۳۹ و ۵/۰۶ هکتار و متوسط تعداد قطعات آن‌ها نیز به تفکیک آبی و دیم برابر با ۳/۰۴ و ۲/۹۷ قطعه می‌باشد که نشان‌دهنده میزان بالای تقطیع اراضی زراعی در منطقه‌ی مورد مطالعه است.

جدول ۳- توزیع فراوانی ویژگی‌های زراعی بهره‌برداران مورد مطالعه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کم‌ترین	بیش‌ترین
اندازه‌ی مالکیت آبی (هکتار)	۴/۳۹	۳/۸۴	۰/۵	۲۲
اندازه‌ی مالکیت دیم (هکتار)	۵/۰۶	۴/۵	۰/۵	۳۵
تعداد قطعات آبی	۳/۰۴	۱/۸۹	۱	۱۵
تعداد قطعات دیم	۲/۹۷	۱/۵۸	۱	۱۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج دیگر این مطالعه حاکی از این است که متوسط بعد خانوار در میان بهره‌برداران مورد مطالعه ۶ نفر است. به لحاظ تحصیلات، ۴۷/۲۷ درصد بهره‌برداران بی‌سواد بوده و تنها نزدیک به ۲۰ درصد آن‌ها سوادشان در سطح دیپلم و یا بالاتر از آن است. حدود ۸۸ درصد از بهره‌برداران مورد مطالعه در گروه‌های اجتماعی در روستا مانند هیئت امنای مسجد، پایگاه بسیج، شورای اسلامی، دهیاری و غیره عضویت دارند. مشارکت ۱۰/۴ درصد از بهره‌برداران، در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور روستا، مانند شرکت در جلسات مربوط به مشکلات آب زراعی روستا، حضور در جلسه‌ی مربوط به لایروبی کانال‌های زراعی یا قنوت، حضور در جلسات مذهبی روستا و جلسات شرکت تعاونی عشایری، خانه‌ی کشاورز و دهیاری، در سطح خیلی زیاد و زیاد، ۱۶/۱ درصد مشارکتی در سطح متوسط و ۷۳/۵ درصد در سطح کم و خیلی کم در این امور مشارکت دارند.

هم‌چنین در مورد استفاده نمونه مورد مطالعه از رسانه‌های عمومی و تخصصی مانند رادیو و تلویزیون، روزنامه، بروشورهای ترویجی و کلاس‌های ترویجی آموزشی، نتایج نشان داد اکثر بهره‌برداران یا از این رسانه‌های استفاده نمی‌کنند و یا اگر هم استفاده می‌نمایند، استفاده‌ی آن‌ها در حد بسیار کم است. به‌طور کلی می‌توان گفت اکثریت بهره‌برداران از رسانه‌هایی دیداری مانند تلویزیون و رادیو خیلی بیش‌تر از رسانه‌های نوشتاری مانند روزنامه و مجلات استفاده می‌کنند.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد «مطلوبیت مکانی اراضی» از جمله متغیرهای اثرگذار بر تمایل بهره‌برداران برای اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی است. برای ارزیابی شاخص میزان مطلوبیت مکانی اراضی هر بهره‌بردار در این مطالعه، از متغیرهای متوسط فاصله‌های قطعات هر بهره‌بردار تا جاده اصلی روستا و تا

مظهر آب و تا محل سکونت بهره‌بردار استفاده شد. چنانچه نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد دامنه‌ی امتیازات این ویژگی بین ۱/۲ و ۲۴/۸۵ بوده، میانگین آن برابر با ۱۱/۰۲ می‌باشد.

بررسی‌های نگارندگان همچنین موید این واقعیت است که در فرایند معاوضه‌ی زمین‌های کشاورزی، که یکی از روش‌های یک‌پارچه کردن اراضی کشاورزی می‌باشد، «ارزش‌گذاری درست زمین‌ها» از متغیرهای اثرگذار بر تشویق و موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی است. در این پژوهش، ارزش‌گذاری‌های سنتی اراضی متأثر از معرف‌هایی مانند فاصله‌ی اراضی بهره‌بردار تا روستا و فاصله‌ی اراضی آبی بهره‌بردار تا مظهر آب در نظر گرفته شد. چنانچه داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد، دامنه امتیازات این متغیر بین ۹/۳۲ و ۱۹/۱۷ و میانگین آن برابر با ۱۶/۳۸ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اراضی بهره‌برداران از لحاظ مکانی در مطلوبیتی در حد متوسط بوده ولی با توجه به اینکه روستاهای منطقه مورد مطالعه اکثراً وابسته به کشاورزی و محصولات تولیدی از این بخش می‌باشند، بهره‌برداران برای اراضی خود، به‌ویژه اراضی آبی، ارزش بالایی قائل می‌باشند و چنانچه ذکر شد ارزش اراضی منطقه از نظر بهره‌برداران و به صورت عرفی و سنتی در حد بالایی است.

در این مطالعه، «میزان آگاهی بهره‌برداران از طرح‌های یک‌پارچه‌سازی»، از این جهت که فرایند یک‌پارچه‌سازی اراضی از دید بهره‌برداران یک نوآوری است و در آن نیز آگاهی نخستین مرحله از مراحل پذیرش است، مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از این ارزیابی، مندرج در جدول ۴، نشان می‌دهد که دامنه‌ی امتیازات مربوط به این متغیر بین ۹/۶۸ و ۱۳/۵۵ بوده، میانگین آن نیز برابر با ۱۰/۶ است. از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که کشاورزان منطقه‌ی مورد مطالعه آگاهی خوبی از مفهوم یک‌پارچه‌سازی اراضی دارند.

جدول ۴- توزیع فراوانی مطلوبیت مکانی و وضعیت ارزش‌گذاری‌های سنتی اراضی و میزان آگاهی بهره‌برداران

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تعداد گویه‌ها	دامنه امتیازات
مطلوبیت مکانی اراضی	۱۱/۰۲	۱۰/۰۴	۶	۱/۲ - ۲۴/۸۵
ارزش‌گذاری‌های سنتی اراضی	۱۶/۳۸	۰/۸۳	۶	۹/۳۲ - ۱۹/۱۷
میزان آگاهی از مفهوم طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی	۱۰/۶	۱/۶۹	۳*	۹/۶۸ - ۱۳/۵۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش؛ * برای سنجش متغیر میزان آگاهی از مفهوم طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی، از ۳ شاخص اصلی

که مشتمل بر ۴۰ گویه بود استفاده شده است.

۲-۳- میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی کشاورزی

نتایج حاصل از ارزیابی میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی در منطقه‌ی مورد مطالعه که در جدول ۵ نشان داده شده است، بیان‌گر این است که ۵۳/۱ درصد از بهره‌برداران با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی در سطح زیاد و خیلی زیاد موافق می‌باشد، ۳۲ درصد هم موافقتی در سطح متوسط داشته و تنها ۰/۵ درصد با اجرای این طرح‌ها مخالفند. بنابراین می‌توان پذیرفت که موضوع مخالفت بهره‌برداران با اجرای این طرح‌ها، که به گواهی پژوهش‌های گوناگون، مهم‌ترین عامل در عدم اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی است، تنها درصد اندکی از کل بهره‌برداران منطقه‌ی مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد،

چنانچه امینی و همکاران (۱۳۶۸)، بخشود و نجفی (۱۳۶۷) و زارع (۱۳۷۹) نیز بر این دستاورد پژوهش مٌهر تایید می‌نهد.

جدول ۵- میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی کشاورزی

میزان موافقت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کامل	۶۵	۱۶/۱	۱۶/۱
زیاد	۱۵۰	۳۷	۵۳/۱
متوسط	۱۲۹	۳۲	۸۵/۱
کم	۵۸	۱۴/۴	۹۹/۵
مخالف	۲	۰/۵	۱۰۰
جمع کل	۴۰۴	۱۰۰	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۳- ارزیابی عوامل موثر در موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح

چنانچه داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد، ارتباط معنی‌داری بین ۶ متغیر مستقل پژوهش شامل «تعداد اعضای خانوار»، «سطح تحصیلات سرپرست خانوار»، «عضویت در گروه‌های دومین»، «میزان مالکیت آبی»، «تعداد قطعات آبی» و «میزان مالکیت کل بهره‌برداران» با موافقت آن‌ها با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی وجود ندارد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از رسانه‌ها و عوامل آموزشی (۰/۱۱۲) و میزان آگاهی و دانش بهره‌برداران مورد مطالعه نسبت به طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی زراعی (۰/۱۷۵) با موافقت آن‌ها با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. بدیهی است که اولین مرحله از فرایند پذیرش یک نوآوری، آگاهی است. اگر به فرایند یک‌پارچه‌سازی به‌عنوان یک نوآوری نگریده شود باید قبل از هر چیز، اطلاعات و آگاهی افراد پذیرنده‌ی آن نوآوری را سنجید تا میزان آگاهی مخاطبان طرح مشخص شده، و بتوان برنامه‌ریزی مناسبی برای افزایش آگاهی آن افراد از این نوآوری جدید فراهم آورد. بنابراین اگر افراد هدف از آینده‌ی پذیرش آن نوآوری اطلاع کافی داشته باشند، پذیرش آن نوآوری برای آن‌ها راحت‌تر بوده، و مقاومت کم‌تر نشان می‌دهند. در این مسیر یکی از عواملی که می‌تواند کمک کار باشد، رسانه‌های عمومی و تخصصی و همچنین عوامل آموزشی - ترویجی می‌باشد. این عوامل تبع میزان آشنایی کشاورزان را با طرح افزایش داده، مزایا و معایب اجرای طرح را بهتر و روشن‌تر در اختیار کشاورزان قرار داده و به‌طور کلی تأثیرات اجرای طرح را بهتر درک خواهند کرد. این یافته با نتایج مطالعه‌ی احمدی و امینی (۱۳۸۶)، امیرنژاد (۱۳۸۶)، Gonzales.Garcia (۲۰۰۲)، شیرزاد (۱۳۷۶)، وثوقی و فرجی (۱۳۸۵) و جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. همچنین، نتایج به دست آمده نشان داد بین متغیرهای تعداد قطعات دیم (۰/۱۷۵)، میزان مالکیت دیم (۰/۳۷۵) و اندازه قطعات اراضی دیم (۰/۱۹۴) با متغیر موافقت کشاورزان مورد مطالعه در استان ایلام با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. به‌طور کلی با توجه به این نتایج می‌توان عنوان نمود که کشاورزانی که نسبت اراضی دیمی آن‌ها بیشتر می‌باشد، با اجرای طرح موافقت بیشتری دارند. عدم گرایش بهره‌برداران اراضی آبی به یک‌پارچه کردن اراضی خود را می‌توان این‌گونه تفسیر نمود، نظر به این‌که اقتصاد بهره‌برداران بیش‌تر بر پایه اراضی آبی بوده و بیش‌ترین تمرکز بهره‌برداران بر کاشت محصولات آبی سالانه خود

می‌باشد؛ بنابراین اراضی آبی برای آن‌ها با ارزش بوده و به طبع، حساسیت آنان به این اراضی بیش‌تر می‌باشد. برعکس صاحبان اراضی آبی، بهره‌بردارانی که بیش‌تر اراضی آنان دیم می‌باشد بیش‌تر تمایل به اجرای طرح دارند. بنابراین بهره‌برداران صاحب اراضی دیم به امید تسطیح و اصلاح اراضی دیم خود و هم‌چنین استفاده از چاه‌های عمیقی که از اهداف برنامه می‌باشد، تمایل به اجرای طرح یک پارچه‌سازی اراضی خود دارند. به‌طور کلی، تأثیر متغیرهای میزان مالکیت اراضی و وضعیت آن‌ها (تعداد قطعات و اندازه قطعات) بر میزان موافق بهره‌برداران بخش کشاورزی با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی در مطالعات امیرنژاد (۱۳۸۶)، آشکار آهنگرانی کلایی و همکاران (۱۳۸۵)، شیرزاد (۱۳۷۶)، وثوقی و فرجی (۱۳۸۵) و جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸) همانند این مطالعه مورد تأیید قرار گرفته است. بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای ارزش‌گذاری سنتی اراضی (۰/۲۶۲-)، مطلوبیت مکانی (۰/۱۱۹-) با میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی نشان می‌دهد که بین این متغیرها در سطح ۹۹ درصد رابطه‌ای منفی و معنی‌دار دارد. در این مطالعه، عامل فاصله (فاصله اراضی از روستا، از جاده‌ی اصلی، از مراکز خدمات، از مظهر آب و ...) یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر دو متغیر ارزش‌گذاری سنتی اراضی و مطلوبیت مکانی می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که با توجه به این که زراعت اغلب محصولات کشاورزی نیاز به مراقبت دائم و سرکشی همیشگی بهره‌بردار دارد و این مراقبت و سرکشی با افزایش فاصله قطعات از محل سکونت کشاورزان کم‌رنگ شده و بهره‌وری کاهش می‌یابد. هم‌چنین، افزایش فاصله قطعات از محل سکونت افراد موجب هدر رفتن وقت و حتی نیروی کار بهره‌برداران شده، وقت بیش‌تری را صرف رفت و آمد بین اراضی و محل سکونت خود نموده، حتی این افزایش فاصله موجب می‌شود که زارعی که دارای سن بیش‌تری می‌باشند مجبور شوند قطعات دورتر خود را بایر و یا به صورت سهم‌بری یا اجاره‌ای به دیگران واگذار کنند. چنان‌چه مشاهدات نگارنده نشان می‌دهد بهره‌برداران زیادی به این دلیل مجبور به فروش قطعات دورتر از محل سکونت خود شده‌اند. از این‌رو بهره‌برداران برای فرار از مشکلات شرح داده شده و با توجه به این که یک پارچه‌سازی اراضی کوششی است برای تجمیع قطعات و حل مشکلات شرح داده شده، بهره‌بردارانی که دارای قطعات دورتری هستند بیش‌تر تمایل دارند که مشکل فاصله‌ی خود را با اجرای این طرح حل نمایند. این یافته با نتایج مطالعه‌ی آشکار آهنگرانی کلایی و همکاران (۱۳۸۵) و شیرزاد (۱۳۷۶) همسو می‌باشد.

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بین عوامل اجتماعی (۰/۱۶۹)، عوامل اقتصادی (۰/۱۶۳) و عوامل فرهنگی (۰/۲۹۴) با میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار وجود دارد. در این مطالعه شاخص ویژگی اجتماعی بهره‌برداران از ۵ معرف ساختار مالکیت، عضویت در گروه‌های ثانویه، سطح سواد، فعالیت‌های اجتماعی و میزان آگاهی از فوائد اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی تشکیل شده است. سطح سواد و میزان آگاهی نسبت به طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی از معرف‌های مهم و تأثیرگذار بر میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی در هر منطقه می‌توانند، محسوب شوند. میزان سطح سواد ۳۵ درصد بهره‌برداران راهنمایی و بالاتر است که این سطح از تحصیل در موقعیت منطقه‌ی مورد مطالعه، سطح نسبتاً قابل قبولی برای بهره‌برداران بوده، هم‌چنین، سطح سواد ۶۵ درصد اعضای خانوار بهره‌برداران مورد مطالعه‌ی راهنمایی و بالاتر است. هم‌چنین، آگاهی ۸۹ درصد بهره‌برداران نسبت به طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی در سطح متوسط به بالا بوده، بنابراین نتیجه می‌گیریم که هرچه افراد اطلاعاتشان نسبت به یک نوآوری بیش‌تر باشد، احتمال پذیرفتن و به‌کارگیری آن نوآوری در آینده بیش‌تر است. از عوامل

موثر بر سطح بالای آگاهی بهره‌برداران نسبت به مفهوم طرح، باید به سطح سواد نسبتاً خوب بهره‌برداران اشاره کرد. بنابراین می‌توان گفت این دو عامل، و به‌طور ترکیبی با سایر عوامل تشکیل دهنده‌ی شاخص اجتماعی، از عوامل موثر در ارتباط معنی‌دار ویژگی‌های اجتماعی بهره‌برداران با موافقت با اجرای طرح می‌باشند. عامل فرهنگی در این مطالعه از معرف‌های اعتماد، مشارکت، آداب و سنن فرهنگی و انگیزه تشکیل شده است. برای تبیین رابطه‌ی بین عوامل فرهنگی و میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی در استان ایلام می‌توان گفت، نظر به این‌که یکی از معرف‌های تشکیل دهنده‌ی شاخص فرهنگی بهره‌برداران مورد مطالعه، معرف انگیزه می‌باشد. این معرف خود از معرف‌های دیگر مانند برانگیخته شدن، جهت دادن و پایایی رفتار تشکیل شده که معرف پایایی رفتار در بین سایر معرف‌ها بر معرف انگیزه مؤثرتر می‌باشد. در این تحقیق برای بررسی پایایی رفتار از گویه‌هایی مانند تعیین دقیق سهم هر بهره‌بردار، استفاده آسان از تسهیلات دولتی و استفاده آسان و مؤثرتر از ماشین‌آلات و ادوات مکانیزه تشکیل شده است. نظر به این‌که اراضی بهره‌برداران در منطقه‌ی مورد مطالعه از میزان پراکندگی و خرد بودن بالایی برخوردار می‌باشند و به همین دلیل بهره‌برداران توانایی استفاده کامل و بهینه را از عوامل تولید ندارند و حتی بسیاری از بهره‌برداران، در هنگام مصاحبه محقق با آنان، از تعرض ناخواسته و یا عمدی همسایگان در هنگام شخم در فصل کاشت، گله‌مند بوده و خواستار رسیدگی به این وضعیت بودند. با توجه مسائل مطرح شده، اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی می‌تواند بهره‌برداران را امیدوار به برطرف شدن تعرض همسایگان به مرزهای هم‌دیگر و استفاده کامل و بهینه از عوامل تولید باشد. پس می‌توان گفت اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی بهره‌برداران را به آینده‌ی بهتر امیدوار می‌نماید. یکی از متغیرهایی که در این مطالعه برای بررسی عامل اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است، متغیر اشتغال می‌باشد. نتایج اولیه‌ی مطالعه نشان داد، حدود ۱۰ درصد از بهره‌برداران مورد مطالعه فقط ۱ شغله بوده و به کار کشاورزی مشغول می‌باشند (۹۰ درصد از افراد مورد مطالعه حداقل دو شغله می‌باشند)، این در حالی است که ۴۲ درصد از آنان شغل اصلی‌شان کشاورزی بوده یا به عبارتی دیگر می‌توان گفت ۵۸ درصد از افراد مورد مطالعه دارای شغل اصلی غیر از کشاورزی می‌باشند. افرادی که دارای شغل دوم هستند، با توجه به این‌که فرصت کم‌تری برای رسیدگی به کار کشاورزی در اختیار دارند و به علت پراکندگی قطعات بهره‌برداران، زمان زیادی برای رسیدگی به امور زراعی تلف خواهد شد. بنابراین، اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی کوششی برای جمع‌آوری این قطعات پراکنده و حل مشکلات اتلاف وقت بوده، این بهره‌برداران موافقت بیش‌تری با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی دارند.

جدول ۶- همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل با میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی

مفهوم	ضریب همبستگی	مفهوم	ضریب همبستگی
سن	* ۰/۱-	میزان مالکیت دیم	* ۰/۳۷۸
تعداد اعضای خانوار	^{ns} ۰/۰۷۸-	میزان مالکیت آبی	^{ns} ۰/۰۴۹
سطح تحصیلات سرپرست خانوار	^{ns} ۰/۰۷۴-	تعداد قطعات آبی	^{ns} ۰/۰۱۷-
عضویت در گروه‌های دومین	^{ns} ۰/۰۵۶	تعداد قطعات دیم	* ۰/۱۷۵
میزان استفاده از رسانه‌ها	** ۰/۱۱۲	اندازه قطعات دیم	** ۰/۱۹۴
ارزش‌گذاری سنتی اراضی	** ۰/۲۶۲-	اندازه قطعات آبی	^{ns} ۰/۰۴۱-

مفهوم	ضریب همبستگی	مفهوم	ضریب همبستگی
میزان آگاهی از طرح یک پارچه‌سازی اراضی	۰/۱۷۵**	مطلوبیت مکانی	-۰/۱۱۹**
میزان مالکیت کل	-۰/۰۴۵ ^{NS}	عوامل اقتصادی	۰/۲۶۳*

مأخذ: یافته‌های پژوهش. NS، * و ** به ترتیب عدم معنی‌داری و معنی‌داری در سطوح ۰/۰۵ و ۰/۰۱.

علامت منفی ضریب برآورد شده برای متغیرهای سن، مطلوبیت مکانی اراضی و ارزش‌گذاری سنتی اراضی نشان می‌دهد که هرچه میزان این متغیرها افزایش یابد، تمایل به پذیرش فرایند یک پارچه‌سازی اراضی کم‌تر می‌شود. دلیل این روابط معکوس را می‌توان در نگرانی بهره‌برداران برای از دست دادن زمین‌های مرغوب و پراکنده خود در صورت یک پارچه‌سازی اراضی جستجو کرد.

۴-۳- پیش‌بینی تغییرات میزان موافقت بهره‌برداران در رابطه با اجرای طرح یک پارچه‌سازی اراضی

در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق، از رگرسیون چند متغیری با روش گام به گام استفاده شد. نتایج به دست آمده بیان‌گر این است که چهار متغیر به‌طور هم‌زمان بر میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یک پارچه‌سازی اراضی تأثیر می‌گذارند. ضریب همبستگی چندگانه‌ی میزان موافق $R = 0/661$ و ضریب تعیین $R^2 = 0/437$ نشان می‌دهد که ۴۳/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته، به وسیله متغیرهای مستقل مطرح شده تفسیر می‌شود (جدول ۷). عمده‌ترین متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یک پارچه‌سازی اراضی نیز، به ترتیب اولویت، عبارتند از ارزش‌گذاری سنتی اراضی، استفاده از رسانه، آگاهی نسبت به طرح و تعداد قطعات دیم (جدول ۸). با توجه به نتایج جدول ۸ معادله‌ی خطی حاصل از تحلیل رگرسیون به شکل زیر می‌باشد.

جدول ۷- ضرایب تعیین متغیرهای تأثیرگذار بر میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یک پارچه‌سازی اراضی

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده R^2	F	سطح معنی‌داری
اول	۰/۶۲۳	۰/۳۸۸	۰/۳۸۶	۲۵۲/۹۶۴	۰/۰۰۰
دوم	۰/۶۴۹	۰/۴۲۱	۰/۴۱۸	۱۴۴/۵۸۴	۰/۰۰۰
سوم	۰/۶۵۶	۰/۴۳۰	۰/۴۲۶	۹۹/۹۳	۰/۰۰۰
چهارم*	۰/۶۶۱	۰/۴۳۷	۰/۴۳۱	۷۶/۸۶۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش. * مدل در نظر گرفته شده در این تحقیق مدل چهارم می‌باشد

جدول ۸- رگرسیون چندگانه برای بررسی عوامل مؤثر میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی

Sig	t	Beta	B	
۰/۰۴۳	-۱/۴۷۰	-	-۰/۵۶۴	ضریب ثابت
۰/۰۰۰	-۴/۰۷۷	-۰/۱۶۶	-۰/۱۹۱	ارزش‌گذاری سنتی اراضی
۰/۰۲۹	۲/۱۹۱	۰/۰۸۳	۰/۰۴۵	تعداد قطعات دیم
۰/۰۱۵	۲/۴۳۳	۰/۱۰۲	۰/۰۶۷	استفاده از رسانه
۰/۰۰۰	۱۲/۴۹۸	۰/۵۳۱	۰/۰۳۵	آگاهی نسبت به طرح

مأخذ: یافته‌های تحقیق

$$Y = -۰/۵۶۴ - ۰/۱۹۱ X_1 + ۰/۰۳۵ X_2 + ۰/۰۴۵ X_3 + ۰/۰۶۷ X_4$$

به ترتیب: Y = میزان موافقت، X_1 = ارزش‌گذاری سنتی اراضی، X_2 = تعداد قطعات دیم، X_3 = استفاده از رسانه و X_4 = میزان آگاهی نسبت به طرح

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

چنانچه مشاهده شد، آنچه مربوط است به متغیرهای مرتبط با ساختار اراضی کشت آبی بهره‌برداران ارتباط معنی‌دار این متغیرها با میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی مورد تایید قرار نگرفت. دلیل این واقعیت را باید در ارزش بالای این اراضی و وابستگی شدید اقتصاد خانوار به محصولات تولید شده در این زمین‌ها جستجو کرد. در مصاحبه‌های عمیقی که با این گروه از بهره‌برداران شد می‌توان بر ترس مشهود آن‌ها از ضعیف بودن تکنیک‌های اندازه‌گیری قطعات و عدم عدالت احتمالی در توزیع مجدد اراضی انگشت گذارد، اما مشاهده شد که بین متغیرهای مرتبط با ساختار اراضی کشت دیم بهره‌برداران و موافقت آن‌ها با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی، ارتباط معنی‌دار، قابل اثبات است. به نظر می‌رسد دلیل تمایل بالای بهره‌بردارانی که بیش‌تر اراضی آنان دیم است با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی، امتیازاتی است که این بهره‌برداران در اثر تسطیح اراضی، احداث جاده‌های بین مزارع و احداث احتمالی چاه‌های عمیق به دست می‌آورند. چرا که مشاهدات انجام شده موید این است که بخش قابل توجهی از اراضی دیم منطقه‌ی مورد مطالعه پستی و بلندی‌های زیادی داشته، بسیاری از این اراضی از خاک با کیفیت پایین برخوردارند. بخش اعظم این زمین‌ها حتی در طول زمان کاشت یا برداشت هم به دلیل نبود جاده بین مزارع به راحتی قابل دسترس نبوده، یک‌پارچه‌سازی اراضی و خدمات مرتبط بر آن سبب برانگیختن بهره‌برداران برای یک‌پارچه‌سازی زمین‌های آن‌ها می‌شود. از این رو پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی برای اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی، آگاهی دقیق از نیازهای هر منطقه پیش‌نیاز تدوین و اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی تلقی شود و با منضم کردن برنامه‌های خدماتی متناسب با نیازهای بهره‌برداران به طرح‌های یک‌پارچه‌سازی، مشوقی برای همراهی هرچه بیش‌تر آن‌ها با این طرح‌ها فراهم آید. در این صورت است که با فاصله گرفتن از برنامه‌ریزی‌های کلی و ایران شمول از بالا، برنامه‌های واقع‌نگر و متناسب با نیازهای هر منطقه امکان تدوین پیدا خواهد کرد.

یافته‌های تحقیق هم‌چنین نشان داد که با افزایش سن بهره‌برداران از میزان موافقت آن‌ها با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی کاسته می‌شود. از نظر نگارندگان این نتیجه دور از انتظار نبوده، چرا که ارتباط منفی

بین سن بهره‌برداران و ایده‌های مبتنی بر نوآوری، آن هم نزد بهره‌بردارانی که در طول زمان وابستگی روانی رو به‌تزیادی به داشته‌های‌شان پیدا می‌کنند را باید از زمره‌ی بدیهیات دانست. در این مورد نیز پیشنهاد می‌شود ضمن برپایی برنامه‌های آموزشی برای آگاهی هر چه بیشتر این گروه از بهره‌برداران، و به‌ویژه برای افراد صاحب نفوذ و رهبران محلی، از آن‌ها در آگاه‌سازی مخاطبان طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی استفاده لازم به‌عمل آید.

نتایج پژوهش نشان داد که ارزش‌گذاری سنتی اراضی از جمله متغیرهای بسیار مهم اثرگذار بر مخالفت کشاورزان با اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی است. در بین روستاییان معمولاً زمین‌های نزدیک به روستا و یا نزدیک به مظهر آب دارای ارزش بیشتری بوده، صاحبان این زمین‌ها در منطقه‌ی پژوهش اعتقاد دارند این زمین‌ها برای آنان و خانواده‌های‌شان خیر و برکت دارد و از این‌رو به سختی حاضر به فروش و یا تعویض این زمین‌ها می‌شوند. مشاهدات انجام شده در مجموع موید این واقعیت نیز می‌باشد که بسیاری از بهره‌برداران چندان اعتمادی به افراد غریبه نداشته، برای حل مشکلات خود بیش‌تر به فامیل و یا همسایگان و افراد مورد اعتماد خود رجوع می‌کنند. از این جهت به‌نظر می‌رسد که در تشریح و اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی در روستاها، ضرورت جلب و جذب افراد مورد وثوق و اعتماد روستاییان کلید رمزی باشد بر پذیرش و مشارکت هر چه بیشتر این طرح‌ها از جانب مخاطبان‌شان.

چنان‌چه مشاهده شد متغیرهای اقتصادی نیز از جمله متغیرهای اثرگذار بر موافقت کشاورزان با اجرای طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی تشخیص داده شدند. برای تبیین این ارتباط باید گفت که با توجه به این‌که یکی از معرف‌های سازنده شاخص اقتصادی بهره‌برداران، معرف اشتغال آن‌ها بود، مشاهده می‌شود که تنها حدود ۱۰ درصد از بهره‌برداران فقط به فعالیت کشاورزی اشتغال دارند و مابقی علاوه بر کار کشاورزی دارای شغل دوم نیز می‌باشند. از این‌رو گروه دوم برای رسیدگی به کار کشاورزی فرصت محدودتری داشته، با توجه به پراکندگی قطعات بهره‌برداری‌شان که به شدت به اتلاف وقت آن‌ها منجر می‌شود، یک‌پارچه‌سازی اراضی حرکتی در راستای حل مشکل اتلاف وقت آنان بوده، از این‌رو موافقت بیش‌تری با تجمیع قطعات پراکنده نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به محدودیت‌های بخش کشاورزی، شاید فراهم آوردن بسترهای لازم برای اشتغال هر چه بیش‌تر کشاورزان تک‌شغله در فعالیتهای غیرکشاورزی، بتواند با زدودن بیکاری‌های پنهان در روستاها، ارزش واقعی زمان را برای این گروه ملموس‌تر کرده، آن‌ها را نیز از جمله همراهان طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی سازد.

منابع

۱. احمدی، عبدالحسین و امینی، امیر مظفر (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر تقاضای اجرای طرح‌های یک پارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی از دیدگاه کارشناسان شهرستان کرمانشاه و منطقه‌ی لنجان اصفهان، مجله‌ی علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۲ (الف)، ص ۲۸۳-۲۹۶.
۲. آشکارآهنگرکلایی، محمدعلی و اسدپور، حسن و علیپور، عباس (۱۳۸۵). بررسی نگرش کشاورزان به طرح یک پارچه‌سازی اراضی در شالیزارهای مازندران (مطالعه‌ی موردی روستای گیلرد شهرستان جویبار)، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره‌ی ۱۵، سال چهاردهم، صص ۴۵ - ۵۸.
۳. وثوقی، منصور . و فرجی، افراسیاب (۱۳۸۵)، پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یک پارچه‌سازی اراضی مزروعی، مطالعه‌ی موردی روستاهای زرین شهر، فصل‌نامه‌ی جامعه‌شناسی ایران، سال ۷، شماره‌ی ۲، صص ۱۰۱-۱۱۸.
۴. امیرنژاد، حمید و رفیعی، حامد (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر در پذیرش یک پارچه‌سازی اراضی شالی کاران در روستاهای منتخب استان مازندران، علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۴۸، ۳۲۹-۳۳۸.
۵. امینی، امیر مظفر و احمدی، عبدالحسین و پاپزن، عبدالحمید (۱۳۸۶)، بررسی و مقایسه دلایل مخالفت بهره‌برداران با اجرای طرح‌های یک پارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی در شهرستان کرمانشاه و منطقه لنجان اصفهان، مجله‌ی علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۱۱، شماره ۴۱ (ب) صص ۴۱۷-۴۳۱.
۶. بخشوده، محمد و نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۶۷)، بررسی اقتصادی مسئله پراکندگی اراضی کشاورزی در استان فارس، اولین کنگره ملی بررسی مسائل توسعه‌ی کشاورزی ایران، صص ۴۸۳-۵۰۶.
۷. جمشیدی، علیرضا و امیرمظفر، امینی (۱۳۸۸)، نقش ترویج و آموزش کشاورزی در ایجاد تمایل کشاورزان به اجرای طرح یک پارچه‌سازی اراضی (مطالعه موردی در استان ایلام)، مجموعه مقالات سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران، ص ۲۶۸، مشهد.
۸. جمشیدی، علیرضا و تیموری، مصطفی و حاضری، محمد و روستا، کوروش (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یک پارچه‌سازی اراضی استان ایلام: مطالعه موردی شهرستان شیروان و چرداول، روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۷.
۹. جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۹)، بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر اجرای طرح یک پارچه‌سازی اراضی و موانع پیش‌روی آن در استان ایلام. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته توسعه‌ی روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان.
۱۰. رستمی، شاه‌بختی و طالش، مصطفی و خنجری، فروزان و صداقت، مهدی (۱۳۸۷)، بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر در عدم یکپارچگی اراضی کشاورزی نمونه موردی: دهستان پشت

- دربند، جغرافیا (نشریه‌ی علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، سال ۶، شماره ۱۶-۱۷، صص ۹۱-۱۰۵.
۱۱. رفیعی، حامد و امیرنژاد، حمید (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر در پذیرش یک پارچه‌سازی اراضی شالی‌کاران استان مازندران، مجموعه‌ی مقالات دومین کنفرانس دوسالانه‌ی اقتصاد کشاورزی ایران. مشهد، صص ۱-۱۳.
۱۲. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲)، توسعه کشاورزی (مفاهیم، اصول، روش تحقیق، برنامه‌ریزی در یک پارچه سازی اراضی کشاورزی)، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. زارع، ابراهیم (۱۳۷۹)، پراکندگی زمین‌های کشاورزی در استان فارس، آثار و علت‌ها، مجموعه مقالات دومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۱۱۱-۱۱۲۹.
۱۴. شیرزاد، حسین (۱۳۷۶)، فرایند یک پارچه‌سازی اراضی در بین شالی‌کاران استان مازندران، کاربرد تئوری بنیانی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز.
۱۵. کلانتری، خلیل و حسینی، سید محمود و عبدالله‌زاده، غلام حسین (۱۳۸۴)، ساماندهی و یک‌پارچه‌سازی اراضی کشاورزی با استفاده از تجارب کشورهای اروپای شرقی، فصل‌نامه‌ی روستا و توسعه، شماره ۸، دوره ۲ صص ۶۷-۱۰۴.
۱۶. یاسوری، مجید و جعفر، جوان و صابونچی، زهره (۱۳۸۶)، بررسی اثرات اقتصادی اجرای طرح‌های یک‌پارچه‌سازی اراضی نمونه: شهرستان اراک، جغرافیا (نشریه‌ی علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، سال پنجم، شماره‌ی ۱۴ و ۱۵، صص ۶۷-۸۴.
۱۷. Dijk.Van, Terry (۲۰۰۲), *Central European land fragmentation in the years to come, a study into the future need for land consolidation in Central European. Paper GIG XXII International Congress. Washington, D.C. pp: ۱۹-۲۶. ۲۰۰۲, ۱۴ Oct.*
۱۸. Gergievski, Kiril (۲۰۰۵), *Land consolidation as one of the modes for the enlargement of agricultural land in Macedonia. J. cent Eur. Agric. ۶(۴): ۵۶۲-۵۷۴.*
۱۹. Gonzales.Garcia, Isabel (۲۰۰۲), *Land consolidation in Spain: the land registry perspective. Effective and Sustainable land management – A permanent challenge for each society, Munich, Germany.*
۲۰. Rusa, Marioara., Violeta, Florian (۲۰۰۲), *Land fragmentation and land consolidation in the agricultural sector: case study from Omani. at: http://www.landentwicklung-muenchen.de/cd_ceec_conference/case studies/Romanian.*
۲۱. Vitikainen, Arov, (۲۰۰۴), *An overview of land consolidation Europe, Nordic. J. Surv. Real Es. Res. ۱: ۱۲۴-۱۳۶.*
۲۲. Zhou, Jian.Ming (۱۹۹۹), *How to carry out land consolidation an international comparison. European university institute, Department of Economics, Italy. EUI working paper ECO, No ۹۹/۱, pp ۱-۱۷, Available at: www. iue.it.*